



جلد
دوم

توحید

اسلام ناب

خلاصه کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»



اسلام آمد و اعلام کرد یک خدا است و همه لایق پرواز به سوی او هستند. هیچ کس بر کسی برتری ندارد و استثنایی وجود ندارد. ائمه و پیامبران هم در ریشه مادی انسان های معمولی تفاوتی ندارند. در جامعه اسلامی ممکن نیست مردمی از امکاناتی برخوردار باشند که دیگران از آن حقوق برخوردار نباشند. نمی شود عده ای امکانات بی نهایت داشته باشند و عده ای صفر باشند.



روزی که شروع کردیم و هفته ای یک بار دور هم جمع شدیم برای خواندن کتاب؛ هیچ وقت فکر نمی‌کردیم بتوانیم کتاب را تمام کنیم. یعنی ۲۸ هفته که بیش از ۶ ماه طول کشید دور هم جمع شویم و کتاب را مباحثه کنیم. جلساتی که بسیار راحت سوالاتمان را مطرح کردیم و پاسخ گرفتیم.

کتاب ولی آنقدر برایمان جذاب و دوست داشتنی بود که برای بیشتر خوانده شدنش، چند هفته ی دیگر هم دور هم جمع شدیم و آن را خلاصه کردیم تا تعداد افراد بیشتری بتوانند از چشمه ی جوشان معرفتی کتاب سیراب شوند.

این جزوه حاصل چند هفته خوانش و چند هفته خلاصه کردن متن کتاب شریف «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» است. در خلاصه سازی سعی بر این شد تا عبارات و جملات تغییر نکند تا فضا و حال و هوای سخنرانی حفظ شود.

امید است تا خواندن این جزوات مخاطب را به سمت خواندن اصل کتاب سوق دهد.

**پیشکش به آستان مقدس حضرت زهرا(س)
به امید گوشه چشمی**



توحید و جهان بینی اسلامی



ایمان به هر اصل از افکار و اصول دینی، اولاً باید آگاهانه باشد. ثانیاً ایمان همراه باشد با تعهد.

توحید را ما آنچنانی بررسی می کنیم که اولاً آگاهانه به توحید برسیم و ثانیاً ببینیم توحید چه تعهداتی بردوش ما می گذارد؟

توحید در هر يك از مقررات فرعی اسلام، خودش را می نمایاند و نشان می دهد. هر جایی شما يك حکمی و يك قانونی و يك دستوری را به نام دین مشاهده کردید که در آن توحید لنگ می زند، ضد توحید در آن وجود دارد و توحید در آن نیست، بدانید که این از اسلام نیست؛ چون توحید مثل روحی در کالبد تمام مقررات اسلامی هست.

بحث درباره توحید و جهان بینی اسلامی است. جهان بینی یعنی چگونگی دیدن عالم. جهان بینی یعنی برداشت یک انسان از جهان. اسلام یک برداشتی از جهان دارد. اسلام معتقد است همه این مجموعه جهان ساخته و پرداخته و درست شده‌ی قدرت بالاتری است که اسمش خداست، الله است. جهان بینی اسلامی این عالم را وابسته به قدرت بالاتری می داند.

قرآن، عالم را به دو صف خدا و یک صف موجودات دیگر تقسیم میکند. از لحاظ بندگی خدا، بین دو موجود عالم هیچ امتیازی نیست. از این جهت که بنده خدا هستند، از این جهت که تحت قدرت و در قبضه خدایند، همه یکسانند، همه! حتی بزرگ ترین موجود عالم، عزیزترین و ارزشمندترین انسان تاریخ؛ یعنی وجود مقدس نبی اکرم(ص)، از لحاظ بنده خدا بودن، تحت اختیار خدا بودن، عبد خدا بودن، مثل همه ذرات دیگر وجود است. بندگان دست بسته و تسلیم پروردگارانند و بزرگی شان هم به همین است.

وقتی دانستیم که همه انسانها في الجملة در مقابل این قدرت و این مرکز نیرو علی

اسلام ناب

خلاصه کتاب
طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



جهان بینی یعنی
چگونگی دیدن
عالم. جهان بینی
یعنی برداشت
یک انسان از
جهان. اسلام یک
برداشتی از جهان
دارد. اسلام معتقد
است همه این
مجموعه جهان
ساخته و پرداخته
و درست شده‌ی
قدرت بالاتری
است که اسمش
خداست، الله
است.

السوائد، دیگر معنی ندارد که امپراتور روم، والرین مثلا، در حال غرور و تکبر مجسمه اش را آنجا بسازند که يك برده ای، يك غلامی روی پایش افتاده. چرا؟ مگر این امپراتور عظیم الشان، غیر از صف بندگان خدا، صف دیگری پیدا کرده؟ و مگر این انسانی که حالا روی پای امپراتور افتاده، دارد او را سجده می کند، دارد در مقابل او خضوع و خشوع می کند، غیر از صف بندگان، يك صف پایین تری، پست تری پیدا کرده؟ مگر هر دوی اینها وابسته به يك صف نیستند، پس این وضع چرا؟

بت پرستان مشرک هندوستان می گفتند جامعه به ۴ طبقه تقسیم می شود و هر طبقه خدای مخصوص به خود را دارد. اما بینش توحیدی خالص اسلامی می گوید تمام ممکنات و موجودات از یک جا، از یک مبدا، از یک دست قدرت، آفریده و ساخته و پرداخته شدند. پس همانطوری که حق نداری پایت را روی سر بگذاری، حق نداری سرت را روی پای کسی بگذاری. برای چه؟ برای اینکه برخلاف حق و حقیقت عمل کردی در هر دو صورت.

توحید در ایدئولوژی اسلامی



ما عقیده مان این است که مادیون روزگار ما اگر می گویند خدا نیست اگر معتقدند که برای این عالم حقیقت دیگری وجود ندارد، در حقیقت چون از مکتب الهی سرخوردگی

فکری و سرخوردگی روحی دارد این حرف را می‌زند. چون معتقد است که بنای امروزی جهان و اداره انسان‌ها و استقرار عدل و برداشتن تبعیض جز در سایه یک طرز فکر مادی و ماتریالیستی امکان ندارد. از این نظر از مکتب الهی رو برمی‌گرداند. علت گرایش به چیزی که به آن مکتب مادی می‌گویند این است که خیال می‌کنند امروز این مکتب مادی بهتر می‌تواند دنیا را اداره کند. می‌گویند دین این کارها را نمیتواند بکند. چرا می‌گویند دین نمی‌تواند این کارها را بکند؟ برای خاطر اینکه از دین، از مفهوم شایع و رایج دین چیزی نمی‌داند، جز آنچه که در دست مردم کوچه و بازار به صورت سنتی و تقلیدی مشاهده کرده. اگر از او پرسند دین چیست؟ یک سلسله مظاهری را اسم می‌آورد، می‌گوید اینها دین است و چون اینها مخدر است، چون اینها برادر و برابر ظلم و ظالم است، چون اینها نمی‌تواند گرهی از کار فروبسته مردم بگشاید، پس این دین را رها کن.

وقتی با یک چنین منطقی انسان روبه‌رو می‌شود بهترین پاسخ این است که اگر دینی را پیدا کردید که با ظالم ساخت، برای امروز و فردای مردم ذره ای سود نداشت، تو هم از طرف ما یک لحظه این دین را نپذیر. دینی که خدا می‌فرستد، مَهر استاندارد دارد. اگر این مَهر استاندارد با یک دینی تطبیق کرد آن را قبول می‌کنیم، اگر تطبیق نمی‌کند قبول نمی‌کنیم. قرآن می‌گوید نه فقط پیغمبر خاتم، بلکه همه پیغمبرها با این هدف فرستاده شدند. چیست آن هدف؟ کسی می‌گوید که من دینی را دیدم که از اداره اجتماعات بشری ناتوان است. می‌پرسیم دین اسلام را؟ اسلامی می‌آید تبعیض را برمی‌دارد، اختلاف طبقاتی را در عین اختلاف طبقاتی جهانی نفی می‌کند، فرصت‌ها و امکانات برابر به بشر می‌دهد، حکومت را از دست طواغیت بشری می‌گیرد و به دست قانون عادلانه خدا می‌سپارد و این همه را در سایه یک نظام عادلانه و متقن تامین میکند و برای ایجاد این نظام، پیامبر مردم را تربیت می‌کند. تربیت پیغمبر، تربیت فردی هم نیست که پیغمبر بنشیند به مردم موعظه کند. پیامبر شالوده اجتماعی اسلامی را مثل فولادی مستحکم با شکل و قالبی معین ریخت. بعد انسان‌ها را در این مسیر و جامعه تربیتی آورد.

اسلام ناب

خلاصه کتاب
طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



توحید اسلامی
برنامه ای در زمینه
حکومت و روابط
اجتماعی است که
معنایش این است
که در تمام منطقه
وجود خودت و
جامعه ات جز
خدا کسی حق
فرمانروایی ندارد.
اگر چنانچه قائل
به توحید باشی،
در جامعه اختلاف
طبقاتی و تبعیض
جایی ندارد. وقتی
توحید به یک
جامعه آمد، همه
بندگان در یک تراز
قرار می گیرند؛
همه می شوند بنده
خدا.



پس توحید را فقط به عنوان پاسخ خشک ساده به یک سوال علمی و مغزی مطرح نکنید. توحید مسئله ای است که دانستن و نداشتنش فرق می کند. مثلاً چه فایده ای دارد که فلان رهبر کشور معتقد به خداست در حالیکه خداپرستی برای او فقط یک پاسخی به یک سوال خشک مغزی است که آیا خدا وجود دارد یا نه و نه چیزی بالاتر از آن؟

ما فکر می کنیم که توحید را فقط در ذهن مان بایستی روشن کنیم و این توحید دیگر در زندگی اثری ندارد اگر هم داشت، در زندگی شخصی است و نه اجتماعی. آن توحیدی که اسلام به آن دعوت می کند بالاتر از حد یک پاسخ به یک سوال است. توحید اسلامی برنامه ای در زمینه حکومت و روابط اجتماعی است که معنایش این است که در تمام منطقه وجود خودت و جامعه ات جز خدا کسی حق فرمانروایی ندارد. اگر چنانچه قائل به توحید باشی، در جامعه اختلاف طبقاتی و تبعیض جایی ندارد. وقتی توحید به یک جامعه آمد، همه بندگان در یک تراز قرار می گیرند؛ همه می شوند بنده خدا. بندگی خدا به معنای آزادی از بندگی غیر خداست، این دو اصلاً با هم دیگر نمی سازد.

فرستاده سپاهیان اسلام آمد وارد کاخ ساسانی شد. وقتی که رفت جلو تا در مقابل تخت رسید، دیگران آمدند نامه را بگیرند. گفت باید به خودش بدهم. کاغذ را به او داد. شاه ساسانی پرسید شما برای چه آمدید؟ جواب داد ما آمدیم تا انسان ها را از بردگی بندگان خلاص کنیم و به

عبودیت خدای متعال بکشانیم.

وقتی انسانها در یک جامعه ای حق نداشتند که آنچه را که میخواهند، حتی بخواهند. انسانها حق نداشته باشند طرفدار عدالت باشند، دشمن تبعیض باشند، آزادی را دوست بدارند و نهایتاً بخواهند خفقان را مثل وضع طبیعی بپذیرند و رویش صحنه بگذارند این زشت ترین و تلخ ترین انواع بردگی است.

در جامعه اسلامی مردم بندگان قدرت‌ها نبودند. بلکه بنده خدا بودند و آزاد بودند. آزادی به معنای تبعیت از یک قانون صحیح انسانی که در روح انسان و در اجتماع، هیچ کس بارِ کس دیگری را نکشد. حتی بارِ حاکم را. مگر آنکه حاکم از طرف خدا حرف بزند و از سمت خدا باشد.

عبادت و اطاعت انحصاری خدا



طولانی‌ترین و مفصل‌ترین بحثی که در سراسر قرآن انجام گرفته بحث توحید است که هم از لحاظ لحن سخن و هم از لحاظ تعداد آیات بی مثل و بی مانند است. توحید علاوه بر اینکه یک بینش است، یک برداشت از واقعیت است، علاوه بر این یک شناخت عمل‌زا و زندگی‌ساز است. یعنی توحید عقیده‌ای است که متضمن تعهد و مسئولیت است.

آیا این تعهد در همین خلاصه می‌شود که ما به زمان یا به دل و به فکر این عقیده را بپذیریم؟ یعنی خود اعتقاد یک مسئولیت است یا از منطقه فکر و دل بیرون تر می‌آید قلمروی این مسئولیت؟

تعهدی که توحید به فرد موحد یا جامعه موحد می‌دهد از حد فرمان‌های شخصی و تکالیف فردی بالاتر است. تعهدی که توحید به یک جامعه موحد می‌دهد شامل مهمترین، کلی‌ترین، بزرگترین، اولی‌ترین و اساسی‌ترین مسایل یک جامعه است.

اسلام ناب

خلاصه کتاب
طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



تعهدی که توحید
به فرد موحد
یا جامعه موحد
می دهد از حد
فرمان های
شخصی و تکالیف
فردی بالاتر است.
تعهدی که توحید
به یک جامعه
موحد می دهد
شامل مهمترین،
کلی ترین،
بزرگترین،
اولی ترین و
اساسی ترین
مسائل یک جامعه
است.

مثل حکومت، مثل اقتصاد، مثل روابط بین الملل، مثل روابط افراد با یکدیگر که اینها مهمترین حقوق اساسی است برای اداره و زندگی یک جامعه. ما معتقدیم که تعهد توحید و مسئولیتی که بار دوش موحد می شود مسئولیتی است در حد تکالیف اساسی و حقوق اساسی یک جامعه.

در نتیجه این مسوولیت، قیافه و اندام جامعه توحیدی با قیافه و اندام جامعه غیرتوحیدی متفاوت است. نظم اجتماعی و سیستم اجتماعی و شکل اجتماعی جامعه توحیدی یک چیزی است به کلی مغایر و احیاناً متعارض و متضاد با جامعه غیرتوحیدی. بنابر اصل توحید انسانها حق ندارند هیچ کس و هیچ چیز جز خدا را عبودیت و اطاعت کنند.

فلذا شیطان فقط عبارت از جناب ابلیس نیست یا یک چیز پنهان و مخفی که به چشم نمی آید. بلکه شیطان یک مفهوم عامی است.

در حدیثی امام باقر علیه السلام می فرماید: اطاعت آن قدرتی که از سوی خدا و نماینده خدا نباشد؛ اطاعت از آن مرکزی که آن مرکز از مرکز قدرت پروردگار الهام نگرفته باشد، این در حد شرک یا خود شرک است و مردمی که این کار را انجام میدهند و مبتلای به این درد و نابسامانی بزرگ اجتماعی هستند -ولو در کارهای شخصی خودشان پرهیزکار و مراقب باشند- اما این بلای بزرگ موجب می شود که خدای متعال نظر لطف و رحمت را از این امت برگیرد. آنها را معذب، معاقب و

مبتلای به نعمت خود قرار دهد. این حدیث است. چرا؟ برای خاطره اینکه اطاعت غیرخدا و عبودیت غیرخدا منافی است با هدفی که خدا انسان را برای آن هدف آفریده است که منافی است با تکامل و تعالی انسان و آزادگی و وارستگی او که مقدمه اوج گیری انسان است.

یک قدری با آهنگ توحید در قرآن باید آشنا شد. بد جوری ما در زمینه شناخت معارف اسلامی از قرآن دور افتادیم و سرگرم شدیم به یک سلسله پندارهای عامیانه و سست که در پوچی و بی اساسی و بی بنیادی از هر پوچی پوچ تر است و توام با خرافات و پندارهای باطل شده و همین بود که این ظاهر فریبنده و باطن پوچ در مقابل موجهای مادیگری تاب و توان نیاورد و دیدید که چگونه از بین رفت.

باید از خود پرسید: اگر تدبیر تکوینی عالم به دست خداست چرا تدبیر تشریحی عالم به دست او نباشد؟ آن کسی که قوانین و سنت های طبیعی را در جهان و انسان به وجود آورده، چرا جعل و تشریح قوانین مدنی و جزایی را به دست افراد ضعیف و عقل های ناقص و دانش های محدود و اراده های ضعیف و امثال بشر معمولی بدهد؟ چرا خودش جامعه را اداره نکند؟ چرا خودش قانون نگذارد؟ چرا خودش قدرت نگاهبان و پاسدار قانون را معین نکند و از او حمایت نکند؟ امامت و ولایت چرا تعیین نکند؟ چرا امام قرار ندهد؟ چرا ولی من قِبَلِ الله قرار ندهد؟ بگذارد به عهده عقول ناقص مردم؟ چرا؟

توحید و نفی عبودیت غیرخدا



بنابراین توحید موضوعی مهمی است. اولاً پایه ی اعتقادی است. ثانیاً اصل مهم عملی فردی و اجتماعی است. ثالثاً ملت مسلمان موحد از آن خیلی کم چیزی می داند. اگر چه به بیجه ها می آموزند که خدا یکی است و دو نیست ولیکن غالباً موحدین از شناخت وجهه های گوناگون توحید تا سنین نزدیک به رحلت از این

اسلام ناب

خلاصه کتاب
طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



معنای دوم خیلی ساده است و آن عبارت است از اطاعت. اطاعت هر کسی مستقل و بی قید و شرط عبادت اوست. اگر کسی یک انسانی یا یک جامعه ی انسانی را بی قید و شرط اطاعت کند، فرمان او را در زندگی خود، در جسم و جان خود، در عمل خود متبع بشمارد، او را عبادت کرده.

جهان چیز درستی نمی دانند.

از مفاهیم مرتبط با بحث توحید عبادت است. یک وقت کسی را عبادت میکنند به این صورت که او را مقدس و دارای نیروهای مافوق عالم طبیعت می دانند. مثل این بت هایی که در طول تاریخ مردم عبادت میکردند: یک حالت تقدیس و بزرگداشت روحی و قلبی.

عبادت خدا را هم که میگوییم واجب است، در نظر عامه ی مردم همین است. البته عبادت فقط این نیست.

برای عبادت در فرهنگ قرآن یک فرهنگ وسیع تری وجود دارد که ما باید آن مفهوم وسیع تر را پیدا کنیم.

یعنی اگر خواستیم موحد و پیرو اصل توحید باشیم، مراقب باشیم که ندانسته عبادت نوع دوم را در مقابل غیر پروردگار عالم انجام ندهیم. یعنی همان چیزی که بیشتر موحدین عالم با اینکه به گمان خود و در ظاهر امر در مقابل غیر خدا تقدیسی انجام نمی دادند، با این وجود در عمل در فکر در روح عبادت غیر خدا را میکرده اند.

معنی دوم عبادت چیست؟ معنای دوم خیلی ساده است و آن عبارت است از اطاعت. اطاعت هر کسی مستقل و بی قید و شرط عبادت اوست. اگر کسی یک انسانی یا یک جامعه ی انسانی را بی قید و شرط اطاعت کند، فرمان او را در زندگی خود، در جسم و جان خود، در عمل خود متبع بشمارد، او را عبادت کرده.

از کجا این حرف را میزنیم؟ باستناد آیات قرآن این سخن را میگوییم. این قرآن است که برای ما عبادت را اطاعت معنا میکند. عدی ابن حاتم طایی - پسر حاتم معروف -

قبل از مسلمان شدن وقتی که وارد مدینه شد، رسول اکرم بمناسبت اینکه زناری بر گردن او آویخته دید، شروع کرد به خواندن این آیه: «اتخذوا احبارهم و رهبانهم اربابا من دون الله». معنای آیه این است که مسیحیان و یهودیان، عالمان و زاهدان خود را خدایان خود گرفتند. وقتی این آیه به گوش عدی بن حاتم رسید، رو کرد و گفت: «ای پیامبر خدا! این حرف درست نیست. ما کی احبار و رهبانمان برایمان خدا و رب محسوب شدند؟! کی آنها را عبادت کردیم?!»

اعتراض کرد به پیغمبر و به آیه ی قرآن؛ چرا؟! چون در ذهنش از عبادت همان معنایی بود که الان در ذهن شما هست یعنی نیایش توام با تقدیس.

پیغمبر اکرم در جواب این تصور عدی بن حاتم پاسخ داد که بله؛ در مقابل آنها سجده نکردید لکن آنچه آنها گفتند بی قید و شرط پذیرفتید. حرام های خدا را آنها در نظر شما حلال وانمود کردند و حلال های خدا را حرام و شما بی آنکه درصدد باشید بی قید و شرط عبادتشان کردید.

بنابراین در فرهنگ قرآنی، عبادت یک موجود غیرخدایی، میخواهد این موجود یک قدرت سیاسی باشد؛ میخواهد یک قدرت مذهبی باشد؛ می خواهد یک عامل درونی باشد مثل تمایلات نفسانی و شهوانی، عبادت کردن در مقابل اینها یعنی اطاعت کردن اینها. اطاعت بی قید و شرط عبارت است از عبادت او.

از جمله چیزهایی که اگر پیروی اش کردی، عبادت کردی، قانون است، نظم اجتماعی است. از جمله چیزهایی که اگر اطاعتش کردی، عبادت کردی، سنت و آداب است. پس آیا به قانون و سنت ها و آداب عمل نکنیم؟! چرا؛ لکن سعی کن این همه خدایی باشد تا تو در حال اطاعت، در حال تبعیت، بنده ی خدا و مشغول عبادت خدا باشی.

و توحید وقتی که با این دیدگاه قرآنی نگاه شود یک فکری است برای زندگی مربوط به نظام اجتماعی، مربوط به جهت گیری انسانها در همه حال. چقدر این توحید تفاوت دارد با توحید خدا یک است و دو نیست خشک بی مغز بی روح و ندانسته. توحید خالص، روح دین، پایه دین، عبارت است از آنکه انسان اطاعت را هم منحصر

اسلام ناب

خلاصه کتاب
طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



از جمله چیزهایی
که اگر پیروی
اش کردی،
عبادت کردی،
قانون است، نظم
اجتماعی است.
از جمله چیزهایی
که اگر اطاعتش
کردی، عبادت
کردی، سنت و
آداب است. پس آیا
به قانون و سنت
ها و آداب عمل
نکنیم؟! چرا! لکن
سعی کن این همه
خدایی باشد تا تو
در حال اطاعت، در
حال تبعیت، بنده
ی خدا و مشغول
عبادت خدا باشی.

از خدا بکنند و از برنامه خدایی و از نظام خدایی و از تشکیلات الهی. اینکه ما از این مفاهیم دور افتاده ایم همه ناشی از دوری مردم از قرآن است.

متأسفانه دامهای فراوانی برای دور نگه داشتن مردم از قرآن تاکنون در طول زمان تدارک دیده شده و یکی از این بهانه ها و دامها که تا امروز هم هست، هنوز یک عده جاهل یا مغرض این مطلب را تکرار میکنند، این است که قرآن را هیچ کس نمی فهمد جز ائمه ی معصومین. در این حرفی نیست. اما اینکه امام (ع) قرآن را خیلی خوب می داند به این معنا نیست که بنده و جنابعالی یک کلمه اش را هم نمی فهمیم، یک قشر از قرآن را هم نمی توانیم بفهمیم.

منظور آن کسی که این حرف را میزند این نیست که امام (ع) را بالا ببرد. منظور این است که تو از قرآن دور بمانی. نخیر! قرآن را یاد بگیرید. خودتان را با قرآن مانوس کنید. رفیق کنید. هر روزی و هر ساعتی که بی انس با قرآن بگذرد مایه ی حسرت است.

توحید و نفی طبقات اجتماعی



پس از تعهد به عبودیت و اطاعت انحصاری خدا، دومین تعهد مهم توحید نفی طبقات اجتماعی است. در یک جامعه توحیدی افراد بر حسب حقوق و مزایا جدا نشده

اند. همه زیر یک سقف حقوقی زندگی می‌کنند، در یک مسیر و بایک نوع امکانات. این جامعه ای است که توحید از لحاظ طبقه بندی اجتماعی در مقابل دید و ذهن ما متصور است. از جمله دردهای مزمن تاریخ اختلاف طبقاتی است. اختلاف طبقاتی این است که یک عده محکومند به اینکه محرومیت بکشند، رنج ببرند، خدمت گروه دیگر بکنند و از این محرومیت و رنج هم گله ای نکنند.

در برخی جوامع اختلاف طبقاتی این گونه توجیه می‌شود که حق برخی است که بالاتر باشند و فطرت اینگونه است. اما مصلحینی نیز پیدا می‌شدند و این فکر اشتباه را عوض می‌کردند. این یکی از نشانه های ادیان است. اول فکر را عوض می‌کنند، فرهنگ را عوض کنند. این گونه است این درست نیست که بگوییم اول وضع عوض شود و بعد فلسفه و افکار عوض می‌شود. نه مصلحین دینی فکر را عوض می‌کردند این تاریخ ماست.

اسلام آمد و اعلام کرد یک خدا است و همه لایق پرواز به سوی او هستند. هیچ کس بر کسی برتری ندارد و استثنایی وجود ندارد. ائمه و پیامبران هم در ریشه مادی انسان های معمولی تفاوتی ندارند. در جامعه اسلامی ممکن نیست مردمی از امکاناتی برخوردار باشند که دیگران از آن حقوق برخوردار نباشند. نمی‌شود عده ای امکانات بی نهایت داشته باشند و عده ای صفر باشند. در حالی که وقتی ما یک خدایی هستیم معنایش این است که مردم جامعه همه در یک صف، یک گروه، یک طبقه هستند. برادر و در کنار هم. همه در بعد مادی برابرند و هیچ کس بر دیگری برتری نیست.

اسلام اگر مدرسه باز می‌کنند برای همه باید باشد اگر به انسان ها امکان کسب و کار و تلاش و سعی در زندگی می‌دهد به همه می‌دهد. در سایه اسلام اینگونه نیست که برای چیزی فهمیدن برای پول درآوردن برای کار گرفتن محتاج به پارتی باشد. بر خلاف نظام های غیر توحیدی، برخلاف نظام های جاهلی که جاده ای را برای بعضی آسفالته می‌کنند و برای بعضی ها پراز سنگ، جامعه اسلامی اینگونه نیست. همه می‌توانند در جامعه اسلامی به عالی ترین مقامات برسند.

اسلام ناب

خلاصه کتاب
طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



اسلام اگر مدرسه
باز می‌کنند برای
همه باید باشد
اگر به انسان‌ها
امکان کسب و کار
و تلاش و سعی در
زندگی می‌دهد.
به همه می‌دهد.
در سایه اسلام
اینگونه نیست
که برای چیزی
فهمیدن برای پول
درآوردن برای کار
گرفتن محتاج به
پارتی باشد.

بنابراین هیچ کس در آفرینش از مزیت حقوقی برخوردار نیست، همه مزیت‌ها در اختیار همگان و وابسته به تلاش انسان‌ها است.

جز آن مقام‌های خاص که برای هدایت و رهبری بشر به صورت الهی معین شده، در امور مادی و حقوقی همه برابرند. پول اگر بخواهید، به دست بیاورید باید کار کنید. دانش اگر بخواهی، باید درس بخوانید. مقام سیاسی همینطور. در جامعه اسلامی باید راه تلاش و رسیدن برای همه باز باشد.

تأثیرات روانی توحید



تعهدی که توحید بر روی دوش فرد می‌گذارد، بزرگترین تعهدها، سنگین‌ترین تعهدها، موثرترین تعهدها در میان اعتقادات اسلامی و دینی است. حالا ما می‌خواهیم بررسی کنیم بینیم تأثیر این ایمان به توحید، تأثیر این عقیده، در روان معتقد چه چه خواهد بود و چه باید باشد؟ توحید به معنای چه آموزش روحی و روانی است؟ این بحث دو فایده دارد. اولاً اگر از توحید استنتاج تخریر آمیزی کسی ارائه داد، می‌گوییم این غلط است. توحید آنکه تو می‌گویی نیست. فایده دوم این است که خودمان را می‌شناسیم. ما وقتی دانستیم که تأثیر روانی روانی توحید چگونه است خود را محک می‌زنیم. اگر آن نتیجه که باید را نمی‌داشت، آن وقت می‌فهمیم اشتباه بود این

شیشه دارویی که به ما دادند. نقلی است و باید تاثیر دیگری گذاشت. تاثیر روانی توحید در چند جمله خلاصه می شود. از جمله تاثیراتی که توحید بر می دارد یکی این است که موحد دارای وسعت افق دید میشود. از تنگ نظری ها، کوتاه بینی ها، از نزدیک بینی ها، آسوده و راحت می شود. نمی گوید من در این میدان شکست خوردم و کارم تمام شد. اینقدر نزدیک بین نیست. می داند که فکر توحیدی به درازای عمر بشر دارای قلمرو است. به بیان دیگر و از دیدگاه دیگر، آدم موحد افق دیدش در مسائل مادی و نیازهای پست خلاصه نمی شود. در کنار نیازهای مادی در میان صدها نیاز، عظیم ترین و عزیزترین نیازهای انسان را می بیند. وقتی که نگاه میکند آینده را در مقابل خود بی نهایت می بیند. برای دنیا پایانی قائل نیست. آدم غیرموحد هرچه مجذوب ایده های شریف و انسانیت هم باشد، همه چیز برایش در مرگ پایان می یابد. اما آدم موحد بعد از مرگ را محیط دیگر و جایگاه دیگری می بیند.

از دیگر تاثیرات توحید اینست که ریشه ترس در موحد را می خشکاند. کسی که از خدا بترسد از هیچ کس دیگر نمی ترسد. وقتی نگاه میکنیم، تامل میکنیم، میبینیم ترس است که دنیا و آخرت را از دارندگان اش سلب می کند. ترس از فقر باعث می شود انفاق نکند. ترس از مبتلا شدن و دچار شدن به ناراحتی ها موجب می شود که انسان تن به جنایت ها، فاجعه ها و ذلت و خواری ها بدهد. ترس از اینکه نتواند انسان دو روز دیگر بیشتر در این عالم زندگی کند موجب می شود که انسان به زندگی ها خاتمه بدهد، زندگی اجتماعی را تلخ کند یا از بین ببرد.

بنی امیه را چه کسی بود که نداند یا شناسند و تجربه نکرده باشد؟ اما علت تبعیت از بنی امیه و تسلیم شدن در برابر آنها ترس بود.

بعضی نیز به خاطر ترس از اقلیت بودن راه شان کج شد. در راه خدا، در راه درست، با کم بودن یا زیاد بودن نباید انسان راهش را عوض کند. تصمیمش را نباید ترک کند. باید ببینی که راه هدایت است یا نه؟ اگر راه هدایت بود نباید از ترس کم بودن راه را عوض کرد. در زندگی کردن در راه خدا، در راه تکلیف، در راه هدف،

اسلام ناب

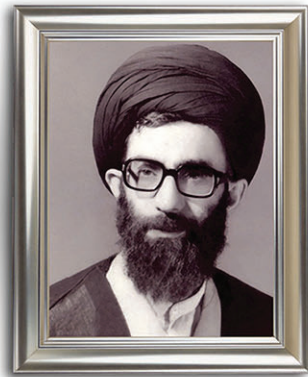
خلاصه کتاب
طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



از دیگر تاثیرات
توحید اینست
که ریشه ترس
در موحد را
می خشکاند. کسی
که از خدا بترسد
از هیچ کس دیگر
نمی ترسد. وقتی
نگاه میکنیم، تأمل
میکنیم میبینیم
ترس است که
دنیا و آخرت را از
دارندگان اش سلب
می کند. ترس از
فقر باعث می شود
انفاق نکند. ترس
از مبتلا شدن و
دچار شدن به
ناراحتی ها موجب
می شود که انسان
تن به جنایت ها،
فاجعه ها و ذلت و
خواری ها بدهد.

نهراسید. ترس فعال نداشته باشید. بیم فعال نداشته باشید. ترس و بیم که ما را از راه حق ما جدا کند نباید داشته باشیم.

عقیده توحید دارای دو سازندگی است. سازندگی جامعه و سازندگی فردی. انسان توحیدی تحت تاثیر این عقیده از ویژگی های مهمی برخوردار است. امید بی پایان، شور و تلاش خستگی ناپذیر، آسیب ناپذیری از ترس و طمع، وسعت دید و نظرگاه و جهت گیری درست و مشخص.



بنده یک ماه رمضان در مسجد امام حسن مشهد سخنرانی مسّتمّر سی جلسهای داشتم .. آن زمان به ضبط سخّرنانی ها خیلی اهمیت داده نمی شد؛ اما استثنائاً همه این سی سخنرانی ضبط شده است. این سخنرانی ها منبع خوبی برای مچگیری ماست! در آن سخنرانی ها راجع به توحید، امامت، ولایت، نبوّت و سایر مباحث اساسی بحث شده است که الآن هم آنها را تأیید می کنم. اینها پایه های فکری برای ایجاد یک نظام اسلامی بود؛ اگرچه ما آن موقع امیدوار نبودیم که نظام اسلامی شش، هفت سال دیگر محقق شود. می گفتیم اگر پنجاه سال دیگر هم ایجاد نشود، بالاخره پایه های فکری اش اینهاست. آن کار، جهت دادن به فکر نسل جوان آن روز بود.

رهبر انقلاب؛ ۸۱/۴/۴